

## روایتگری انفجار بیروت در وبسایت‌های خبری سی.ان.ان، رويترز و العالم

محبوبه علی محمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

روایتگری خبری از شیوه‌های جذاب تعامل با کاربرانی است که برای دسترسی و مطالعه اخبار، گزینه‌های فراوانی در اختیار دارند. این شیوه در قالبی داستان‌گونه، از خشونت‌ها و تلخی‌ها می‌کاهد و مخاطب را با استفاده از گره‌ها و گشایش‌های روایی، به سمت هدف مورد نظر هدایت می‌کند. از این رو، اگر وبسایت‌های یک شبکه رسانه‌ای را بخشی از شاکله خبررسانی آن بدانیم، به‌کارگیری شیوه یادشده در تنظیم اخبار این بخش می‌تواند کاربران وبسایت‌ها را به مخاطبان جدی‌تر شبکه‌ها تبدیل کند. با این رویکرد، پژوهشگر با تمرکز بر خبری واحد، یعنی «حادثه انفجار بندر بیروت» آن را در وبسایت شبکه‌های سی.ان.ان، رويترز و العالم، مطالعه کرده و شیوه روایت هر یک را براساس الگوی لایف مورد بازبینی قرار داده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که از پیچیدگی در روایت سی.ان.ان و سپس رويترز نسبت به شبکه العالم بیشتر استفاده شده است. روایت رويترز در این مورد مبتنی بر عنصر «چه کسی» گره‌های داستانی و دامنه زمانی آن را گسترش داده است و سی.ان.ان با تأکید بر عنصر «چه چیزی» و با به‌کارگیری خرده‌روایت‌ها بر پیچیدگی داستان افزوده است. روایت العالم نیز مبتنی بر عنصر «چه چیزی» و رویدادمحور گزارش شده است.

**واژگان کلیدی:** روایت‌گری، انفجار بیروت، وبسایت‌های خبری، الگوی ویلیام لایف.

۱. دکتری علوم ارتباطات (دانشگاه علامه طباطبایی)؛ رایانامه: mahboobeh.alimohamadi@yahoo.com

## مقدمه و بیان مسئله

شکل‌گیری شبکه‌های در هم تنیده ارتباطی، علاوه بر آنکه پیوند میان افراد را کوتاه‌تر و آسان‌تر ساخته است، امکان دسترسی به رویدادها را از راه‌های متعدد بیشتر کرده است، آن‌گونه که امروزه شنوندگان و بینندگان خبری در قامت کاربرانی فعال، در فرایند نقل خبرها دست می‌برند و روایت‌های مورد علاقه خود را بازنشر می‌کنند. همین تبدیل وضعیت مخاطبان به کاربران فعال، فرایند انتشار اخبار و انتقال پیام را هوشمندانه‌تر کرده است. به‌کارگیری قالب‌های نرم و توزیع اجزای پیام در ضمن روایت‌های به ظاهر ساده و سر راست، از جمله رویه‌های هدفمند برای تعامل با کاربران است. روایتگری خبری و نقل رویدادهای سیاسی/ اجتماعی به زبانی داستانی، با خلق گره و افت و خیز، علاوه بر گرفتن زهر و زمختی رویداد، آن را جذاب می‌کند. این تمهید، علاوه بر آنکه رویدادها را در بسته‌بندی شکیل و هماهنگ با سلیقه و طراحی یک شبکه خبری یا خبرگزاری به کاربران منتقل می‌کند، این امکان را فراهم می‌آورد که آنان را به مخاطبان جدی‌تر این شبکه‌ها تبدیل کند و مهم‌تر آنکه، از ظرفیت کاربری‌شان برای نقل روایت مورد نظر خود بهره‌مند شود.

جاذبه روایت و همگونی آن با زندگی آدمی این فرصت را در اختیار گروه‌های اقلیت نیز قرار می‌دهد که داستان را از زاویه‌ای دیگر بنگارند و ابعاد به حاشیه رانده‌شده یک ماجرا را از نگاهی نو بازنشر دهند. البته این کار، مشروط به بهره‌گیری درست از قالب روایت و خلق پرکشش ماجراست. به عبارتی، می‌توان گفت؛ این رویه می‌تواند انحصار خبرسازی را که در اختیار کشورهای مرکزی و قدرتمند جهان است، تعدیل کند و کشورهای به اصطلاح پیرامونی را بیش از پیش در این فرایند دخیل سازد. حال ضرورت این امر اینجاست که کشورهای غربی از خلال روایت‌های خود، تفسیر مورد نظرشان را اشاعه می‌دهند و به این ترتیب، روایت کشورهای دیگر از نظر دور می‌ماند. نگاهی به روایت انفجار بیروت، شاهدی بر این ادعاست. این رویداد که در شبانگاه ۱۴ مرداد ۱۳۹۹ در کشور لبنان رخ داد، با قطع روند معمول اخبار روزانه، به سرعت از کانال‌های رسانه‌ای گذشت و به داغ‌ترین خبر تبدیل

## روایتگری انفجار بندر بیروت در وبسایت‌های خبری سی.ان.ان، رویترز و العالم ۴۱

شد. موج انفجار بندر بیروت، نه تنها لبنانی‌ها را در سوگ فرو برد بلکه شعاع اثر آن، مردمان منطقه و در سطحی وسیع‌تر، سیاستگذاران جهان را به خود مشغول کرد. وسعت حوزه تأثیرگذاری، آغازی بر تحلیل دامنه‌دار خبر کوتاه «تخریب کامل بندر بیروت در اثر انفجاری مهیب» بود. این تحلیل‌ها، هر کدام تلاش می‌کردند تا شعله آتشی را که از انبار شماره ۱۲ بندر بیروت زبانه کشیده بود، از زاویه مطلوب‌شان رصد کنند و به تعریف داستان از منظری خود-خواسته بپردازند. این‌گونه بود که واقعه‌ای یگانه با روایت‌های چندگانه انتشار یافت. روایان اصلی این واقعه، همان خبرگزاری‌های مطرح جهانی بودند که در حکم شاهرگ‌های خبری، حوادث به وساطت آنها منتشر می‌شود. این دسته از رسانه‌ها در ساخت و گسترش روایتی ویژه از بندر بیروت، نقش مرکزی را بر عهده داشتند اما روایت گروه‌های اقلیت، حاشیه‌ای یا پیرامونی نیز نقل و ارسال می‌شد. به این ترتیب، همان‌گونه که گفته شد، روایت‌های متکثری از این حادثه جان گرفت و دست به دست منتقل شد.

حال در نوشتار حاضر تلاش می‌شود با تمرکز بر این روایت‌های چندگانه، چگونگی پردازش آنها تحلیل شود. در این تحلیل، با پیروی از الگوی ویلیام لایوف<sup>۱</sup> که به دلیل چندوجهی بودن، به الگوی الماسی معروف است، سه روایت رویترز، سی.ان.ان و شبکه العالم را مورد مطالعه قرار می‌گیرد. از آنجا که دو خبرگزاری رویترز و سی.ان.ان متعلق به کشورهای مرکزی هستند، انتظار می‌رود خبری متفاوت از شبکه العالم را که متعلق به جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های اقلیت است، روایت کنند. برای شناخت این تفاوت‌های احتمالی و دریافت معنایی که هر یک از این شبکه‌ها به دنبال انتقال آن بوده‌اند، اجزای این روایت‌ها به روش یادشده، تحلیل می‌شوند.

برایند این تحلیل قادر است عناصر دخیل در هر کدام از این روایت‌ها را نشان دهد، قدرت داستان‌سرایی هر یک از این منابع را توصیف کند و به سیاستگذاران خبری/رسانه‌ای یاری دهد در بازار خبرپردازی جهانی، با طراحی هوشمندانه‌تر، محصول خود را به کاربران عرضه کنند و آنان را به مخاطبان و ناقلان روایت‌های خود بدل سازند. با این توضیح، هدف

---

1. William Labov

مقاله حاضر، عبارت از «تحلیل روایت انفجار بندر بیروت از سوی سه منبع سی.ان.ان، روترز و العالم» است. متناظر با هدف پژوهش، پرسش اصلی مقاله نیز به قرار زیر است: «انفجار بندر بیروت از سوی وبسایت‌های خبری سی.ان.ان، روترز و العالم چگونه تحلیل می‌شود؟»

### پیشینه پژوهش

بررسی روایی در متون ادبی کاربرد بیشتری دارد اما به دلیل اهمیت آن در جذب مخاطب، در دهه‌های اخیر در متون خبری نیز به کار گرفته شده است. در اینجا با توجه به هدف پژوهش، به دو نمونه از مطالعات صورت گرفته اشاره می‌شود.

«بررسی میزان استفاده از مقولات ساختاری روایت و خطابه در گزارش‌های خبری شبکه خبر» عنوان مقاله‌ای پژوهشی است که زابلی‌زاده (۱۳۹۳) آن را نگاشته است. در این اثر ۱۶۰ گزارش خبری بررسی شده‌اند و نتایج نشان داده است که فقدان روایت‌های کلان و نبود انسجام روایی از نقیصه‌های اصلی این گزارش‌ها هستند. مقوله‌های عرفی روایت همچون زمان، مکان و طرح مسئله در بیشتر این گزارش‌ها به روشنی توضیح داده نشده‌اند.

تحلیل روایت فیلم مستند سیاسی (مطالعه موردی: فیلم مستند «به روایت دربار» و «ایران و غرب») مقاله‌ای پژوهشی است که طی آن منتظر قائم و یادگاری (۱۳۹۷) با استفاده از شیوه تحلیل روایت، دو مستند سیاسی را درباره «انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷» مطالعه کرده‌اند: «به روایت دربار» محصول صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و «ایران و غرب (قسمت اول)» محصول شبکه بی.بی.سی. پژوهشگران این اثر با توجه به جامعیت روایت در طرح وقایع سیاسی و ایجاد لایه‌های پنهانی ارتباطی برای متقاعدسازی مخاطبان، از شیوه تحلیل رتوریک‌ی روایی مبتنی بر ۱۰ مقوله محوری بهره گرفته‌اند که عبارت‌اند از: راوی شخصیت‌ها، نقطه دید، فاصله روایی، نقطه شروع، اطلاعات پیش فرض، تسلسل، علیت روایی، مانع و تضاد، چرخش و پایان‌بندی. نتایج پژوهش حکایت از آن دارد که شبکه بی.بی.سی. در تولید مستند «ایران و غرب» از «روایت» به مثابه نوعی شیوه اقناعی بهره گرفته است تا با شیوه‌ای لطیف، به ارائه هدف و گفتمان خاص خود برسد. مستند «به روایت دربار» اما بیش از آنکه در قالب یک روایت ارائه شود، شبیه به محصولی خبری

است که به نگاه صرف گزارشگران و خبرنگاران تکیه دارد. مطالعه تطبیقی این دو مستند، حاکی از فقدان نگاه روایی در مستند برآمده از شبکه خبر است.

### مروری بر تحلیل روایت

رولان بارت در مقاله «تحلیل ساختار روایت‌ها» بر این باور است که روایت را باید پدیده‌ای دانست که رد آن در افسانه، داستان، رمان، حماسه، تراژدی، اقلام خبری و مکالمه‌های روزمره قابل پیگیری است. همین گستره متنوع، امکانی را فراهم می‌سازد که روایت‌ها در هر زمان و مکان و در هر جامعه‌ای، همواره موجود باشند (بارت، ۱۹۷۷: ۷۹). تعاریف دیگر در این باره، بیشتر بر نقش انسجام‌بخش آنها تأکید دارند، این تعریف‌ها، روایت‌ها را گونه‌ای از سازه‌های تحلیلی می‌دانند که رخدادهای گذشته و حال را که به ظاهر نامرتب هستند، حول محوری واحد انسجام می‌بخشند و به هم مرتبط می‌سازند (گریفین، ۱۹۹۳: ۱۰۹۷). این تعاریف، با وجود تفاوت‌هایی کم و بیش، همگی اهمیت روایت را در تحلیل‌های علمی به دلیل «فرایندمدار بودن» و «قابلیت آشکارسازی کنش‌ها در بستر زمان» مورد توجه قرار می‌دهند.

در واقع روایت‌ها از زندگی روزمره آغاز می‌شوند و داستان زندگی آدمیان را بازگو می‌کنند، به همین دلیل نیز قدمت و محبوبیت دارند؛ قدمت دارند چون از دیرباز با زندگی آدمی عجین شده‌اند و حکایت‌ها را از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده‌اند و محبوب هستند چون به زبان ساده، قصه خوشی‌ها و ناخوشی‌ها را بازگو می‌کنند و با ایجاد حس مشترک از عمق درد مردمان می‌کاهند. همین مقدمه کوتاه، اهمیت روایت را برای کسانی که پیام‌رسانی را شغل و حرفه خود می‌دانند، آشکار می‌سازد. از همین روست که امروزه حتی پیام‌های سخت و رسمی همچون اخبار وقایع و حوادث را در قالب روایی، طراحی می‌کنند تا مخاطب با همذات‌پنداری جذب پیام شود.

پیرو ویژگی‌هایی که برای روایت شمرده شد، روایت‌شناسی از حدود سال ۱۹۶۰ به عنوان روشی نظام‌مند برای مطالعه روایت‌ها شکل گرفت. این علم که در ابتدا بیشتر ساختارگرا بود، با استفاده از الگوی دستور زبان و مباحث زبان‌شناسی در پی فهم روایت‌ها برآمد (آزاد، ۱۳۸۸: ۱۲۳). تأثیر و نوع نگاه اندیشمندان روسی بر این روش باعث شد که این شیوه از

حیطه مطالعات ادبی فراتر رود و در تحلیل‌های جامعه‌شناسانه و خبری نیز مورد استفاده قرار گیرد. بنا به گفته ولادیمیر پراپ<sup>۱</sup>، «طبقه‌بندی روایت براساس ساختار روایت، مبنای محکمی را برای قضاوت و تحلیل فراهم می‌کند» (۱۳۳۸: ۲۳) از این رو، تحلیل روایتی متن از روش‌های مهم برای تحلیل متون رسانه‌ای و حتی ژورنالیستی است (ون دایک، ۱۹۸۵ و فرکلاف ۱۹۹۵). از جمله روش‌هایی که در تحلیل روایت‌های خبری کاربرد فراوان دارد، الگوی ویلیام لابوف است. لابوف، جامعه‌شناس و زبان‌شناس امریکایی با همکاری جاشوا والتزکی هنگام مطالعه روایت‌های شفاهی که لحظه‌های بحران‌ساز را روایت می‌کردند، عناصر تکرارشونده‌ای را یافت که با توالی زمانی همراه بودند (تولان، ۱۳۸۳: ۱۲۰). به اعتقاد وی، همین نظم و توالی امکان این را فراهم می‌سازد که قضایا و وقایع، بار دیگر، مورد گفتگو قرار گیرند و تحلیل شوند. (لابوف، ۱۹۷۲: ۳۶۰)

الگویی که لابوف برای تحلیل و گفتگوی بیشتر در مورد روایت‌ها ارائه می‌دهد، هم عناصر ثابت و زنجیره‌ای را در بر می‌گیرد و هم شامل بندهای تبعی می‌شود که با تبعیت از بندهای ثابت، کمی پس و پیش می‌شوند. وی مبتنی بر این نگاه معتقد است؛ هر روایت، ساختاری ۶ بخشی دارد که به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. چکیده: خلاصه‌ای بسیار موجز و مختصر درباره موضوع داستان است که همراه با قسمت پایان‌بندی به‌عنوان حاشیه‌های آغازین و پایانی روایت در نظر گرفته می‌شود.
۲. سویه‌گیری (جهت‌دهی): به‌طور معمول، بعد از چکیده قرار دارد و به سه عنصر چه کسی، کجا و کی پاسخ می‌دهد و با مشخص کردن شخصیت‌ها، زمان و مکان، سمت و سوی روایت را آشکار می‌کند.
۳. کنش مکملی یا کنش گره‌افکن (پیچیدگی): بعد از سویه‌گیری قرار می‌گیرد و شامل تمام رویدادهایی می‌شود که طی روایت رخ می‌دهند. به عبارتی، آن قسمت از روایت است که از حوادث اتفاق افتاده خبر می‌دهد و به ما می‌گوید چه اتفاقی افتاد. به همین دلیل نیز پایه و اساس روایت یا به بیانی دیگر هسته اصلی آن است.

## روایتگری انفجار بیروت در وبسایت‌های خبری سی.ان.ان، رویترز و العالم ۴۵

۴. ارزشگذاری (ارزیابی): این بخش به ارزشگذاری روایت می‌پردازد و دلیل و ارزش نقل آن را بیان می‌کند. به اعتقاد لابوف، «ارزشگذاری ابزار در دسترس راوی است تا به هدف روایت یعنی علت وجود آن اشاره کند، یعنی چرا روایت نقل می‌شود و مراد راوی از نقل آن چیست» (۱۹۷۲: ۲۶۶). این بخش تنها بخشی است که جای ثابتی در ساختار روایت ندارد. (تولان، ۱۳۸۳: ۱۲۵)

۵. راه‌حل (گره‌گشایی): این بخش فرجام روایت را در بر می‌گیرد و به ما می‌گوید، سرانجام چه اتفاقی افتاد؛ بحرانی که طی کنش مکمل یا پیچیدگی رخ داده، چه پیامد و نتیجه‌ای در بر داشته است و از چه راهی حل می‌شود.

۶. پایان‌بندی (بند نهایی یا کودا): پایان‌بندی، آخرین بخش در الگوی لابوف است که به اتمام رسیدن روایت را یا به صورت مستقیم یا به صورت تلویحی اعلام می‌کند. (آزاد، ۱۳۶-۱۲۵)

تفاوت الگوی لابوف در آن است که وی تلاش می‌کند با تأکید بر عناصری که در تمامی قصه‌ها و حکایات حال و گذشته قابل ردیابی هستند، قالبی ساده اما قابل تعمیم به همه رویدادها ارائه دهد. توجه به فرایند یک واقعیت و چگونگی ساخت و پرداخت آن از سوی نقل یا نقلان از ویژگی‌هایی است که به خوبی در الگوی او لحاظ شده است. به دلیل همین ویژگی‌ها، از این الگو به عنوان روش پژوهش در گزارش حاضر استفاده می‌شود. با این نگاه، تلاش شده است تا عناصر روایی در حادثه لبنان از سوی منابع خبری، تعریف و براساس عناصر مورد نظر این الگو، تفکیک و تحلیل شوند. شایان ذکر است از آنجا که عنصر چکیده در برخی اخبار رسانه‌ای نادیده گرفته می‌شود، در صورت نبود، از مطالعه آن صرف‌نظر می‌شود. در ضمن، اصل خبر هر کدام از خبرگزاری‌ها به پیوست، در انتهای گزارش آمده است و در اینجا برای پرهیز از تکرار، تنها عناصر آنها مطالعه و تحلیل می‌شوند.

### یافته‌های پژوهش

تحلیل روایت نخست: به نقل از خبرگزاری رویترز

خبرگزاری رویترز فعالیت رسانه‌ای خود را از دیرباز یعنی قرن ۱۹ میلادی آغاز کرده و

به‌عنوان یکی از خبرگزاری‌های انگلستان قدمت زیادی دارد. همان‌گونه که در بیان مسئله گفته شد، با توجه به پیروی این خبرگزاری از سیاست‌های دولت متبوعش انتظار می‌رود که خط روایی مطلب، با این سیاست‌ها هماهنگ باشد. اما برای پرهیز از هر گونه پیشداوری تلاش می‌شود تا پس از تحلیل روایت این همسویی مورد ارزیابی قرار گیرد.

با نگاهی به مطلب انتشار یافته از سوی خبرگزاری رویترز می‌توان گفت که این مطلب با صرف نظر کردن از چکیده، بدون مقدمه به سراغ سویه‌گیری یا جهت‌دهی رفته است.

**سویه‌گیری (جهت‌دهی):** حذف چکیده علاوه بر آنکه بر ضرورت «سرعت» در حوزه خبر تأکید دارد و رقابت رسانه‌ای را یادآوری می‌کند، دغدغه تحریریه این خبرگزاری را برای آشکار ساختن سویه‌های روایت از نخستین بند مطلب، آشکار می‌سازد. با این تمهید، موقعیت زمانی و مکانی روایت بلافاصله با اشاره به «بندر بیروت» و تأکید ضمنی بر اتفاق رخ داده در آن بر پایه وضعیت موجود (زمان حال) لبنان (مکان) آشکار می‌شود. علاوه بر این، همزمان با مشخص شدن عناصر «کی و کجا»، شخصیت‌های دخیل در روایت نیز به این ترتیب مشخص می‌شوند: مقام‌های لبنانی، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر مستعفی. به این ترتیب، در شیوه روایت رویترز، بازیگران اصلی این رویداد به واسطه «هشدار پیشداستانه» از «مخاطرات ذخیره نیترات آمونیم» آگاه بوده‌اند. پس به‌صورت تلویحی، با استفاده از دو تکنیک «مقصرنمایی» و «برچسب‌زنی» انگشت اتهام به سوی آنان نشانه می‌رود. از این رو می‌توان گفت که نطفه و سرآغاز کنش مکمل، از نخستین سطر این خبر، شکل می‌گیرد.

**کنش مکمل (گره‌افکنی، پیچیدگی):** همان‌گونه که در سطرهای بالا گفته شد، خبر منتشر شده از سوی خبرگزاری رویترز، «حادثه بندر بیروت» را در لفافه شرح می‌دهد و آن را به «ذخیره ۲ هزار و ۷۵۰ تن نیترات آمونیم» ربط می‌دهد اما این واقعه کنونی که در زمان حال رخ داده است، اشاره‌ای زودگذر برای پرداختن به رویدادی دیگر در زمان گذشته، یعنی «آگاهی میشل عون، رئیس‌جمهور، حسان دیاب، نخست‌وزیر مستعفی و سایر مقامات لبنان از ذخیره این مواد منفجره» است. از این منظر، اگرچه «انفجار بندر بیروت» به ظاهر، هسته اصلی رویداد را شکل می‌دهد، به واقع و با تعمق در خط رویدادی که به واسطه



## روایتگری انفجار بیروت در وبسایت‌های خبری سی.ان.ان، رویترز و العالم ۴۷

واژگان، قابل ردیابی است هسته اصلی روایت را بر پایه «تساهل رئیس‌جمهور و نخست وزیر لبنان و احتمالاً سایر مقامات لبنانی» بازسازی می‌کند. علاوه بر این، به‌کارگیری عبارت «هشدار مقامات امنیتی به رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر» به واسطه «اسناد موجود»، شیوه فعلی را تداوم می‌بخشد. با این شیوه، نگارندگان خبر برآنند که میزان اتقان و سندیت روایت خود را افزایش دهند و با طرح این ادعا که «اسناد این هشدار موجود است» آن را به «حقیقت» نزدیک‌تر کنند. از سویی، اشاره به این موضوع که «این اسناد به رؤیت این خبرگزاری و منابع ارشد امنیتی لبنان رسیده است» کنش شکل گرفته را عامدانه به سمتی هدایت می‌کند که «واقعی بودن این اسناد» و «رسمیت» آنها را برجسته‌تر کند و روایت رویترز از موضوع را بیش از پیش، مصداق واقعیت نشان دهد. اشاره دقیق به زمان هشدار داده شده به مقامات یعنی ۲۰ جولای (۲۰۲۰ یا ۳۰ تیر ۱۳۹۹) همچنان تمهیدی است که به واسطه آن «سندیت» و «واقعیت» روایت افزایش می‌یابد و کنش گره‌افکن یا پیچیدگی را با به‌کارگیری اشارت‌های زمانی و متقن ساختن شیوه استدلال، به پیش می‌برد.

علاوه بر این، به‌کارگیری عبارت «محرمانه بودن اسناد» کنشی کلامی است تا با بالا بردن ضریب «اهمیت و شدت ذخیره مواد انفجارزا» تبعات بی‌تفاوتی به آن را نیز تشدید کند. به وسط کشیدن پای «ارتش لبنان»، «دادستان کل لبنان» و «دفتر نخست‌وزیری لبنان» در این قضیه، همچنان با تأکید بر نقش ارکان حکومتی، دلالت‌های معنایی «رسمیت»، «اهمیت» و «گستره موضوع» را برجسته می‌سازد و در نهایت، به‌کارگیری این دلالت‌ها، روایت نقل شده از سوی این خبرگزاری را مهم جلوه می‌دهد. بی‌پاسخ ماندن صحت دریافت اسناد هشدار دهنده پیرامون این موضوع از سوی مقامات یاد شده نیز با برجسته کردن «احتمال آگاهی آنها از موضوع»، مفاهیمی چون «بی‌تعهدی و تساهل» را به ذهن متبادر می‌کند. ادعای میشل عون (در زمان یاد شده) مبنی بر «اعلام انجام هر کاری (که برای تأمین امنیت بندر) لازم بوده به مقامات امنیتی» گواهی است که فرایند پیچیده کردن روایت را بر مبنای «تساهل و تعمد» تقویت می‌کند. اشاره به دستورهای صادر شده از سوی قضات لبنان نیز گره داستان را مبتنی بر امری از پیش شناخته شده، آگاهانه و تعمدی، پی می‌ریزد.

ارزشگذاری (ارزیابی): بر مبنای کنش‌های به‌کار گرفته شده در روایت رویترز، تساهل، تعمد و پشت پرده‌های ناگفته به انفجار بندر بیروت منتهی می‌شود. به این ترتیب، راویان خبر در پی آن هستند که علت روایت خود را براساس دلالت‌های معنایی که از دل فرایند پیچیده کردن متن حاصل می‌شود به بندر بیروت و اتفاق دامنه‌دار آن گره بزنند. آنان بر مبنای ارزش «اهمیت و شدت» تلاش می‌کنند، روایت خود را انسانی و متعهدانه جلوه دهند. اشاره به شدت و حدت موضوع و ارائه آمار و ارقام در مورد خسارت‌های مالی و انسانی این رخداد، نیز تمهیدی است که ابعاد موضوع را مهم جلوه می‌دهد تا شیوه بیان روایت از سوی مخاطبان مقبول افتد. در واقع به تصویر درآوردن یک «بحران» که اصولاً برای آدمی با اهمیت، تحیر و نگرانی همراه است، از جمله دلایلی است که روایت رویترز را طبیعی و عادی نشان می‌دهد. این نحوه اطلاع‌رسانی، بویژه برای مخاطب بومی و منطقه‌ای، با توجه به عنصر «مجاورت» با موج احساسی بیشتری همراه است. به این ترتیب، ارزش‌های خبری یادشده، به دنبال آنند که با برانگیختن احساس مخاطب، بویژه مخاطب لبنانی و عرب، نادیده گرفته شدن حقوق و اعتبار مردم لبنان را از سوی مقامات این کشور به واسطه روابط پشت پرده سیاسی گوشزد کنند.

راه‌حل یا گره‌گشایی: در آخرین بند، آوردن عبارت «علت اصلی انفجار بیروت به‌طور رسمی اعلام نشده» نشان از آن دارد که راویان همچنان می‌خواهند این قضیه را پیچیده‌تر و علت آن را مشکوک و مبهم نشان دهند تا به این ترتیب، این ذهنیت را تقویت کنند که موضوع قرار نیست روشن شود وگرنه دلایل آشکار است. در واقع تأکید بر ابهام قضیه، ترفندی است که نگارندگان مطلب با تأکید بر آن تلاش می‌کنند موضوع را کشدار کند و بر عطش مخاطبان برای شنیدن چرایی آن بیفزایند تا از این طریق روایت خود را تداوم بخشند. عبارت یاد شده علاوه بر این، به دنبال دست یافتن به مقاصد زیر نیز هست:

- با نشانه گرفتن حق و حقوق مردم لبنان برای اطلاع از دلایل انفجار، موضوع را امری سیاسی و مخفیانه جلوه دهد.

- خود را مدافع مردم لبنان و در سطح وسیع‌تر، مردم عرب نشان دهد و پیگیری موضوع را وظیفه انسانی خود تعریف کند.

## روایتگری انفجار بیروت در وبسایت‌های خبری سی.ان.ان، رویترز و العالم ۴۹

– با نشان دادن بی‌کفایتی مسئولان و مقامات ارشد و حاکمیتی لبنان، مشروعیت و مقبولیت آنان و خط و ربط سیاسی‌شان را با تردید روبه‌رو کند و با تردیدافکنی در مورد ارکان حکومت، زمینه حضور بیگانگان و ازجمله دولت‌های اروپایی را فراهم آورد.

**پایان‌بندی یا کودا:** آخرین بند این خبر، حکایت از آن دارد که قرار داشتن محل حادثه در کنار دریا، از ابعاد موضوع کاسته است و گرنه گستره حادثه بسیار فراتر از آن چیزی بود که اتفاق افتاد. به این ترتیب، روایت به پایان می‌رسد اما با هدف قرار دادن عواطف انسانی و جریحه‌دار کردن احساسات مخاطب، همچنان ناکارآمدی، بی‌مسئولیتی، تساهل و در سطحی فراتر، احتمال خیانت مقامات لبنانی را گوشزد می‌کند و موجب احساس تنفر در مخاطب می‌شود. جدول زیر به اختصار گزیده روایت رویترز را شرح می‌دهد:

### جدول ۱. گزیده روایت رویترز از حادثه بندر لبنان

مهم‌ترین مقاصد	مهم‌ترین تکنیک‌ها	مهم‌ترین ارزش‌های خبری	مهم‌ترین عنصر خبری
ناکارآمد و خائن نشان دادن مقامات لبنان و بسترسازی برای ورود کشورهای اروپایی	مقصر نمایی، برچسب زنی و تردید افکنی برای ایجاد فرایندی پیچیده از موضوع	شدت و اهمیت موضوع با محوریت لگدمال شدن حقوق مردم لبنان	عنصر خبری چه کسی با انگشت گذاشتن بر مقامات حکومتی و سپس، تبیین چرایی ماجرا

### تحلیل روایت دوم: به نقل از خبرگزاری سی.ان.ان

تلاش خبرگزاری سی.ان.ان برای همراهی با سیاست‌های کشورش یعنی امریکا، بی‌تردید بر نحوه گزارش انفجار بندر لبنان اثرگذار است، با این حال در گزارش حاضر هدف آن است که فارغ از هرگونه پیشداوری، با تمرکز بر اصل روایت، مقاصد این کانال رسانه‌ای در مورد این رویداد از دل روایت درآید و توضیح داده شود.

مطلب منتشرشده از سوی خبرگزاری سی.ان.ان نیز، سراسر است و بی‌مقدمه به متن خبر می‌پردازد، بنابراین، چکیده‌ای در آن به چشم نمی‌خورد و خبر با سویه‌گیری یا جهت‌دهی آغاز می‌شود.

**سویه‌گیری (جهت‌دهی):** ورود سراسر است به خبر در این مطلب، به معنای کنار گذاشتن

حواشی و سرعت در انتقال پیام اصلی است. در بخش سوبه‌گیری، این خبرگزاری با رفتن بی‌واسطه به سراغ «وزارتخانه‌های مختلف لبنان» تلاش می‌کند با به‌کارگیری واژه «مختلف» گستره عنصر خبری «چه کسی» را وسعت ببخشد تا به این ترتیب، اشاره به دو مجموعه «وزارت دادگستری و حمل‌ونقل» در ذهن مخاطب به‌عنوان جزئی از یک کل نقش ببندد. به این ترتیب راوی، پس از مشخص ساختن موقعیت مکانی، از «اطلاع این وزارتخانه‌ها از انبار شدن طولانی مدت نیترات آمونیوم در بندر بیروت» پرده برمی‌دارد. به این ترتیب، عنصر «چه» با تمرکز بر آگاهی مقامات لبنانی و به‌طور تلویحی «بی‌توجهی» آنان به موضوع، صورت‌بندی می‌شود. با این شیوه، وضعیت کنونی لبنان با گذشته پیوند می‌خورد و خبرنگار سی.ان.ان با نگاهی فرایندمدار، شرایط امروز این کشور را متأثر از گذشته‌ای می‌داند که باید واکاوی شود. واکاوی این مسئله، جهت یا سوبه روایت را شکل می‌دهد.

**کنش مکمل (گره‌افکنی، پیچیدگی):** در ادامه جهت‌گیری که در بخش بالا توضیح داده شد، این شبکه خبری برای رونمایی از مسئله‌ای که بر دال «بی‌توجهی مقامات لبنان» بنا شده بود، به «دست یافتن بر اسنادی» اشاره می‌کند که بر «اطلاع داشتن وزارتخانه‌های حمل‌ونقل، دادگستری و سایر وزارتخانه‌های لبنان» دلالت دارد. این شیوه نگارش با تأکید بر «یافتن اسناد» درصدد است که «صحت خبر» را با استفاده از تکنیک «اعتباربخشی» افزایش دهد. در ضمن، استفاده از واژه «سایر» در کنار واژه «وزارتخانه‌ها» همچنان مبتنی بر وسعت بخشیدن بر دامنه عنصر «چه کسی» بر آن است تا ضمن بالا بردن افراد دخیل در ماجرا با به‌کارگیری تکنیک «بزرگنمایی» مسئله را حاد جلوه دهد. از سویی، به‌کارگیری مجدد واژه «سایر» در این بند، در حالی که همچنان به غیر از دو وزارتخانه حمل‌ونقل و دادگستری از وزارتخانه دیگری نام برده نمی‌شود، تلاشی است تا بهره بردن از فن «ابهام‌زایی یا مبهم‌نمایی» دامنه بحران را تشدید کند.

توضیح در مورد قالب یا ساختار اسناد که از آنها به‌عنوان «نامه‌نگاری‌های الکترونیکی» و «بیانیه» نام برده می‌شود، تمهیدی است تا با مشخص ساختن جزئیات اسناد، بر «وجود آنها» صحه گذارد و «قطعیت وجودی» شان را اثبات کند. همچنین اشاره به ارائه اسناد

## روایتگری انفجار بیروت در وبسایت‌های خبری سی.ان.ان، رویترز و العالم ۵۱

از سوی «تیم وکلای بارودی و شرکا» در ادامه همین تکنیک، به دنبال «واقعی‌سازی» ادعای اعلام شده از سوی این خبرگزاری منوط بر «نقش مقامات لبنانی در رویداد» است. توضیح کوتاه در مورد این گروه با عبارت «بر عهده داشتن وکالت کارکنان کشتی روسی "Rhosus"»، توضیحی نارساست که تنها وجه مستند آن، اشاره به نام کشتی روسی، یعنی روسس است، اینکه این کشتی چه ماجرای دارد، به چه دلیل باید مورد بررسی حقوقی قرار گیرد و تیم نامبرده در باره این پرونده چه کرده‌اند، موضع‌شان چه بوده و چه گروه یا گروه‌هایی ذی‌نفع بوده‌اند، پرسش‌هایی هستند که به‌طور معمول، در ذیل نام کشتی، پنهان می‌مانند. به این ترتیب، مخاطب تنها با اکتفا کردن به نام کشتی و احتمال آشنایی با آن، برای تیم وکلای بارودی، اعتبار سیاسی و حقوقی قائل می‌شود و بر مبنای همین اعتبار، ادعای آنان را در مورد ارائه اسناد مربوط به رویداد بیروت نیز می‌پذیرد. بنابراین در اینجا، بخشی از کنش گره‌افکنی یا پیچیده‌سازی از طریق ترفند «آشنایی‌زایی» صورت می‌گیرد. به این ترتیب، مخاطب با پذیرش شائیت یا جایگاه تیم وکلای بارودی، که در فرایندی پیچیده تلاش شده است تا نقش آنها در مسائل سیاسی، مهم و برجسته شود، منتظر می‌ماند تا پیام اصلی داستان را که حامل مهم‌ترین ارزش روایت است، بشنود یا بخواند.

**ارزشگذاری (ارزیابی):** در بند بالا گفتیم که در فرایند پیچیده‌سازی سعی شده است با به‌کارگیری تکنیک‌های گوناگونی اعم از «بزرگنمایی»، «توجه به جزئیات» و «آشنایی‌زایی» تأیید مخاطب، دریافت و پس از آن، ذهن وی آماده شود تا چرایی انتشار خبر را دریابد و با آن همراه شود. به این ترتیب «فاش شدن جزئیات سند از سوی بارودی و شرکا» هسته اصلی خبر و دلیل پرداختن به آن است. در اینجا، خبرگزاری سی.ان.ان با اشاره به تاریخ دقیق بیانیه صادر شده از سوی این گروه یعنی «ژوئیه ۲۰۱۴» و اشاره به نوشتن نامه در تاریخ نامبرده برای مقامات و مسئولان بندر بیروت و وزارت حمل‌ونقل، به «خطرناک بودن موادی که بار این کشتی است» اشاره می‌کند. با این توضیح، ابعاد دیگری از قصه کشتی روسس برملا می‌شود و دستمایه اصلی روایت خبر قرار می‌گیرد. به این ترتیب، ارزشگذاری اصلی این خبر، بر محور روشن شدن نقش کشتی در ماجرای بندر بیروت استوار است.

راویان تلاش می‌کنند که از ماجرا در جهت نگاه مطلوب خود بهره گیرند. مسئله «خراب بودن کشتی روسیس» که در بندهای انتهایی، به نقل از مدیر کل سازمان حمل و نقل زمینی و دریایی لبنان به آن اشاره می‌شود و همچنین تأکید بر ارسال نامه‌ای در این مورد برای فرماندهی نیروی دریایی برای پیگیری تعمیر کشتی، خرده‌روایت‌هایی هستند که مخاطب را با استفاده از تکنیک آشنایی‌زایی به سمتی سوق می‌دهند که بر آگاهی‌هایی پیشینی استوار شده‌اند. در توضیح این موضوع می‌توان گفت که دو خرده‌روایت زیر، برای دستیابی به این منظور نقش مهمی بر عهده دارند:

- نخست: خرده‌روایت وکلای بارودی و شرکا

- دوم: خرده‌روایت کشتی روسیس

هر یک از خرده‌روایت‌های بالا، بر حول موضوعاتی می‌گردند که به احتمال زیاد، مخاطب پی‌گیر رویدادهای سیاسی از آنها اطلاع دارد. به این ترتیب، بخشی از داستان بر پایه اطلاعاتی که از مدت‌ها پیش در ذهن مخاطب ذخیره شده بود، پیش می‌رود. پس از آنکه مخاطب این روایت‌ها را در ذهن مرور کرد و به یاد آورد، با گرفتن تأیید یا بله اولیه، روایت نهایی داستان مبتنی بر این پیش‌فرض‌ها آن‌گونه رقم می‌خورد که هیئت تحریریه سی.ان.ان طالب آن هستند.

**راه‌حل یا گره‌گشایی:** گفته شد فرایند پیچیده‌سازی یا گره‌افکنی که با انگشت گذاشتن بر «نقش مقامات مسئول لبنانی» و اهمال‌کاری آنها آغاز شده بود و با ادعای وجود «اسناد» در این زمینه، خط داستان را شکل می‌داد، در نهایت، با توضیح در مورد تیم وکلای «بارودی و شرکا» و وکالت کارکنان کشتی روسیس، از سوی آنان، تکمیل می‌شود. سرانجام مشخص می‌شود که این کشتی حامل مواد خطرناک بوده است. این خط داستانی، ضمن آنکه بر ورود محموله مواد انفجارزا از خارج از لبنان تأکید می‌کند، با توجه به نام کشتی، پای روسیه و حامیان آن را نیز به میان می‌کشد. به این ترتیب، حادثه بندر بیروت به خارج از مرزهای لبنان کشیده می‌شود و بنیان اصلی، کسانی معرفی می‌شوند که این محموله انفجاری را به بندر بیروت آورده‌اند. از این رو، سکوت مقامات مسئول در این حادثه از جمله دادگستری

## روایتگری انفجار بیروت در وبسایت‌های خبری سی.ان.ان، رویترز و العالم ۵۳

و وزارت حمل‌ونقل، همانندی این موضوع را به یک برنامه از پیش طراحی شده تقویت می‌کند. روایت بر آن است که نشان دهد لبنان از مدت‌ها پیش، مقصد نهایی برخی از گروه‌های سیاسی برای ورود مواد انفجاری بوده و این داستان سرِ درازی داشته است. با این رویکرد، نقطهٔ ثقل روایت بر روی حلقهٔ معارض با امریکا قرار می‌گیرد و دلیل این ادعا، دشمنی دیرپای روسیه با امریکا شمرده می‌شود؛ همچنان که در اینجا با واسطه‌گری کشتی روسی، به این تعارض اشاره می‌گردد. با این رویکرد، به صورت تلویحی، نقش کشورهای هم‌پیمان روسیه از جمله ایران، در حادثه انفجار بندر بیروت، مورد تأکید قرار می‌گیرد.

**پایان‌بندی یا کودا:** در پایان، سی.ان.ان با آوردن این عبارت که « برای اطلاع از جزئیات این مسئله به وزارت دادگستری و حمل‌ونقل لبنان مراجعه کرده» خود را در مقام و جایگاه «طالب حقیقت» قرار می‌دهد. این جایگاه، فرصتی است تا رویکرد سی.ان.ان و روایت وی از ماجرا، همسو با حقیقت قلمداد شود. در نهایت «پاسخگو نبودن دو وزارتخانه نامبرده» که در بند پایانی این روایت می‌آید، نشان از آن دارد که اسناد مورد اشاره در این خبر، به اندازهٔ کافی از «وجاهت و راستی» برخوردارند و در برابر این سند یا اسندهای معتبر، مسئولان مرتبط، حرفی برای گفتن ندارند. به این صورت «تقصیرکاری» آنان همچنان تقویت می‌شود و البته دست داشتن‌شان با گروه‌های خارج از لبنان و معارض با امریکا، مورد تأکید قرار می‌گیرد.

### جدول ۲. گزیدهٔ روایت سی.ان.ان از حادثهٔ بندر لبنان

مهم‌ترین عناصر خبری	مهم‌ترین ارزش‌های خبری	مهم‌ترین تکنیک‌ها	مهم‌ترین مقاصد
عنصر خبری «چه چیزی» به قصد روشن کردن «چرایی ماجرا» با تأکید بر روشن ساختن ابعاد مخفی قضیه و دلایل وقوع انفجار	اهمیت و بزرگ‌نمایی ماجرای پشت پرده با افزایش دامنهٔ عوامل دخیل در ماجرا،	آشنایی‌زایی با به‌کارگیری خرده روایت‌های پیشینی مانند کشتی روسیس و نقش تیم وکلای بارودی	نقش داشتن عوامل خارج از لبنان و معارض با امریکا در ایجاد انفجار

### تحلیل روایت سوم: به نقل از خبرگزاری العالم

شبکه خبری العالم، وابسته به صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، اخبار بین‌المللی و منطقه‌ای را به زبان جهان اسلام، یعنی عربی، نشر می‌دهد. با توجه به مواضع جمهوری اسلامی ایران در حمایت از جهان اسلام و کشورهای مسلمان، بویژه حامیان جبهه مقاومت، انتظار می‌رود که این خط فکری در انتشار خبر مربوط به انفجار بندر لبنان، بازتاب داشته باشد. در اینجا با تحلیل این روایت، تلاش شده است تا لایه‌های پنهانی و اهداف مورد حمایت این شبکه مشخص شود.

**سویه‌گیری (جهت‌دهی):** ورود بی‌واسطه به اصل ماجرا در این خبر، چکیده روایت را حذف کرده که براساس اصل سرعت در انتشار اخبار، پذیرفتنی است. با این نگاه، هیئت تحریریه العالم در نخستین بند، با آوردن «انفجار امروز بیروت» زمان و مکان حادثه را مشخص می‌سازند. پس از آن ادعا می‌کنند که این رویداد «حاصل اشتعال مواد محترقه در انبار شماره ۱۲ بندر بیروت بوده است» با این عبارت به عنصر «چه» یا «چیستی خبر» می‌پردازند. این شیوه چینش عناصر خبری بر آن است که با نشان دادن جزئیات مکانی، اطلاع و اشراف خود را بر ماجرا نشان دهد. با این نگاه، جهت اصلی روایت در این خبر، بر محور «توصیف ماجرا» پایه‌گذاری می‌شود.

**کنش مکمل (گره‌افکنی، پیچیدگی):** گفتیم که «توصیف حادثه انفجار» جهتی است که در بند آغازین خبر العالم می‌توان به آن پی برد. این خط روایت‌سازی در بندهای بعدی، با اشاره به «تصاویر و ویدئوهای منتشر شده از محل حادثه» و تشریح ابعاد ماجرا با آوردن عباراتی همچون «ستونی از دود به ارتفاع زیاد» همچنان بر آن است که با صحنه‌پردازی از «واقعیت پیش آمده» مخاطب را با خود همراه کند. در واقع، کنشی که این شبکه برای روایت داستان خود برگزیده، بیشتر بر محور «تصویرپردازی صرف» استوار است. این کنش با ارائه پیاپی تصاویر و توصیف «خسارت‌های مادی» همچنین «دادن آمار زخمی‌ها» تلاش می‌کند که خود را در میانه ماجرا و «در دل حادثه» نشان دهد. اشارت‌های فراوانی مانند «ماشین‌های آمبولانس در حال جابجایی مجروحان»، «صدای آژیر»، «حالت آماده



باش بیمارستان‌های بیروت و اطراف آن»، «مراجعه صدها تن از مردم برای اهدای خون به بیمارستان‌ها» و موارد چندی از این دست، همگی کنش گره‌افکن ماجرا را بر پایه اهمیت اصل ماجرا و صرف‌نظر کردن از چرایی آن صورت‌بندی می‌کنند. نام بردن از بخش‌های بیشتر زبان‌دیده شهر بیروت از جمله «ضاحیه و کارنتینا» با کشاندن ذهن مخاطب به سمت جزئیات مکانی و وادار کردن وی به تصویرسازی در مورد آنها، امکان قصه‌پردازی‌های حاشیه‌ای در ذهن را کنار می‌زند. به این ترتیب، خط پیچیده‌سازی این داستان با به‌کارگیری توصیف‌های کلامی و تصویرسازی‌های واژگانی، به الگوی «مُخبر محض رویداد» شبیه است که در آن «ارائه تصویر خنثی از واقعیت» اولویت می‌یابد و چرایی آن به عمد یا به دلیل ناآگاهی از دلایل وقوع ماجرا، کنار گذاشته می‌شود.

**ارزشگذاری (ارزیابی):** تأکید این خبر بر رویداد و حوادث ناشی از آن تلاشی در راه نمایش «شدت خسارت‌ها» است تا به واسطه آن «اهمیت رویداد و دلیل نقل آن» توجیه شود. از سویی، اشاره به نام مکان‌هایی که خسارت‌های بیشتری به آنها وارد شده است، ارزش «مجاورت جغرافیایی» را یادآوری می‌کند. علاوه بر این، میزان خسارت‌ها و تشریح خسارت‌های انسانی با تأکید بر «مجاورت معنوی» ارزش ارسال خبر را در سطح منطقه و بین‌الملل بالا می‌برد و آن را توجیه می‌کند. شاید از این نگاه، بتوان گفت که بار عاطفی این خبر بویژه به دلیل «مجاورت معنوی» و مطرح بودن نام کشور لبنان به‌عنوان کشوری مسلمان و مهم در بازی‌های منطقه‌ای (و جهانی) و قرار داشتن گروه‌های موافق با انقلاب اسلامی در آن، بر سایر ارزش‌ها می‌چربد.

**راه‌حل یا گره‌گشایی:** گفته شد خط خبری که روایت العالم را شکل می‌دهد، مبتنی بر تصویرسازی و قرار گرفتن در دل حادثه است تا از این طریق «واقعی بودن روایت» اثبات شود. به این ترتیب «تصویر رخداد» بر «تفسیر رخداد» ارجحیت می‌یابد. پرداختن به دامنه رخداد، مانند آوردن عبارت: «این انفجار بزرگ‌ترین انفجار بیروت از سال ۲۰۰۵ پس از حادثه ترور رفیق حریری است» ضمن آنکه اهمیت اصل ماجرا و تصویرسازی درباره آن را برجسته می‌کند با اشاره گذرا به ماجرای ترور رفیق حریری، به احتمال ترورستی بودن جریان و

نقش داشتن شخصیت‌ها یا گروه‌هایی که به دنبال ایجاد آشوب و تفرقه در لبنان هستند، صحنه می‌گذارد. این اشاره گزیده و حداقلی، بی‌آنکه بخواهد حواشی ماجرا را پررنگ کند با کشاندن ذهن مخاطب به ماجرای که در آن تلاش شده بود حزب‌الله مقصر جلوه داده شود، این هشدار را به مخاطب می‌دهد که ممکن است این ماجرا نیز موردی مشابه با ترور رفیق حریری است.

**پایان‌بندی یا کودا:** فرجام روایت شبکه خبری العالم با اشاره به گفته «مروان عبود استاندار بیروت» به پایان می‌رسد که «بیروت را شهری فاجعه‌زده توصیف کرده است» و «حجم خسارت‌ها را بسیار فراوان و گسترده خوانده است». این پایان‌بندی، همسو با روایت خطی - تصویری داستان، تنها بر واقعیت ماجرا تأکید می‌کند و چرایی قضیه را آگاهانه یا ناآگاهانه مسکوت می‌گذارد.

### جدول ۳. گزیده روایت العالم از حادثه بندر لبنان

مهم‌ترین مقاصد	مهم‌ترین تکنیک‌ها	مهم‌ترین ارزش‌های خبری	مهم‌ترین عنصر خبری
ادعای اشراف بر رخداد همچنین احتمال تروریستی بودن ماجرا	تصویرسازی و ارائه تصویر واقعیت	«اهمیت و شدت» با دادن آمار و خسارت‌ها، همچنین برجسته کردن «ارزش مجاورت» بویژه «مجاورت معنوی»	عنصر خبری «چه چیزی» به تصویرسازی صرف از واقعیت

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

روایت‌هایی که هر کدام از سه خبرگزاری رویترز، سی.ان.ان و العالم از ماجرای انفجار بندر بیروت ارائه داده‌اند، نشان‌دهنده میزان پیروی آنها از سیاست‌های کلانی است که برایشان ترسیم می‌شود. در این میان، دو خبرگزاری رویترز و سی.ان.ان با توجه به به‌کارگیری روایت‌های تو در تو تلاش کرده‌اند، به شیوه‌ای آشکارتر، حرفه‌ای‌تر و آگاهانه‌تر، حامی منافع کشورهای اروپایی و امریکا باشند. روایت این دو خبرگزاری آشکارتر است؛ چرا که

## روایتگری انفجار بیروت در وبسایت‌های خبری سی.ان.ان، رویترز و العالم ۵۷

تلاش کرده‌اند با پرداختن به عنصر «چه کسی» و «چه چیزی» به «چرایی» ماجرا دست یابند، آنها هر کدام با دخیل کردن مقامات حکومتی و گروه‌های خارجی، داستانی دامنه‌دار از ماجرا را بر مبنای اطلاعات پیشینی مخاطب، بویژه مخاطب لبنانی، پی‌ریزی کرده‌اند و با گرفتن تأیید اولیه، او را به سمتی پیش برده‌اند که موضوع را امری «مخفی و پنهانی» تلقی کند؛ سپس با ناکارآمد نشان دادن مقامات حکومتی و برجسب زدن به آنها به عنوان پایمال‌کنندگان حقوق بر حق مردم لبنان، نه تنها مواضع کشورهای غربی در قبال این حادثه را «مطالبه‌ای انسانی» قلمداد کرده‌اند بلکه اصرار بر روشن شدن ابعاد قضیه از سوی این کشورها را نیز مطالبه‌ای بر حق دانسته‌اند. این در حالی است که شبکه خبری العالم تنها با تمرکز بر عنصر «چه» به تصویرسازی در مورد رخداد بسنده کرده و چرایی ماجرا را با اشاره‌ای کوتاه به «احتمال تروریستی بودن حادثه» مسکوت گذاشته است.

از سویی، روایت دو خبرگزاری رویترز و سی.ان.ان، حرفه‌ای‌تر است؛ چرا که تلاش کرده‌اند با استفاده از خرده‌روایت‌ها و دامنه‌اطلاعات مخاطب، همچنین تکنیک‌هایی چون «بزرگ‌نمایی»، «مقصرنمایی» و «آشنایی زایی»، واقعه لبنان را به صورت فرایندی، دنبال کنند. این روند فرایندی که پیچیدگی و گره‌افکنی در روایت را بیشتر می‌کند، با داستانی کردن خبر، میل بیشتر مخاطب را برای پیگیری ماجرا افزایش می‌دهد و این نشان‌دهنده بهره‌مندی بیشتر یا اهتمام بیشتر هیئت تحریریه این دو خبرگزاری برای ارسال ماهرانه خبر است. در مقابل شبکه خبری العالم، با پرداختن به خود روایت و تصویرسازی پیرامون آن، داستانی خطی و رویداد محور را ارائه می‌دهد که به دلیل خطی بودن و دسترسی کاربران امروزی به تصاویر بهتر، تکنیکی دم دستی است.

در نهایت، می‌توان گفت که خط فرایندمدار در روایت رویترز و سی.ان.ان، آنها را منابع آگاه‌تری برای مخاطب جلوه می‌دهد، در حالی که روایت‌های رویدادمحور کمتر موجد چنین ذهنیتی هستند. با این توضیحات، تفاوت هر یک از روایت‌ها در جدول زیر به اختصار آمده است:

**جدول ۴. مقایسه تطبیقی روایت خبرگزاری‌های رويترز، سی.ان.ان و شبکه العالم از حادثه بندر لبنان**

پیامد روایت	شیوه تبیین روایت	رکن روایت	خبرگزاری/شبکه
روایت فرایندمدار ماجرا به صورت حرفه‌ای	گره‌افکنی‌های متعدد با گسترش دامنه زمانی و افراد دخیل در ماجرا	باز کردن چرایی ماجرا با استفاده از عنصر «چه کسی»	رویتز
روایت فرایندمدار و تصور حرفه‌ای تر بودن	پیچیده‌سازی از طریق طرح خرده‌روایت‌ها	باز کردن چرایی ماجرا با استفاده از عنصر «چه چیزی»	سی.ان.ان
روایت رویدادمحور و خطی داستان به صورت ساده	بسند کردن به تصاویر و تنها ارائه یک خط روایی در مورد احتمال تروریستی بودن ماجرا	توصیف روایت با تمرکز بر «چه چیزی»	العالم

با توجه به نگاه تطبیقی بالا اگر شبکه‌های بین‌المللی وابسته به جمهوری اسلامی ایران از جمله شبکه العالم برآنند که در ذهن مخاطب، بویژه مخاطب بومی و منطقه‌ای، اثر بیشتری داشته باشند، باید در خبرهایشان موارد زیر را در نظر بگیرند:

در کنار توصیف ماجرا و تصویرسازی از آن، به سرعت برای طرح روایتی همسو با مقاصد جمهوری اسلامی ایران تلاش کنند؛ چرا که اهمال یا بی‌توجهی به این موضوع می‌تواند خط روایت‌های دیگر را به دلیل اصل رقابت رسانه‌ای تقویت کند.

تلاش کنند از روایت‌های موجود و قبلی در تقویت داستانی ماجرا بهره گیرند و بر پایه اطلاعات پیشینی مخاطب، او را در مواجهه با روایت‌های گوناگونی که می‌توان از آنها به‌عنوان جنگ روایت‌ها نام برد، یاری دهند.

با نگاهی فرایندمدار به طراحی روایت بپردازند و با ایجاد فراز و نشیب، تمایل مخاطب را به گره‌گشایی از ماجرا بیشتر کنند.

## منابع

- زابلی‌زاده، اردشیر (۱۳۹۴). «بررسی میزان استفاده از مقولات ساختاری روایت و خطابه در گزارش‌های خبری شبکه خبر». «فصلنامه رادیو و تلویزیون»، بهار، شماره ۲۶، صص: ۱۹۷-۲۳۲.
- منتظر قائم، مهدی و محمدحسن یادگاری (۱۳۹۷). «تحلیل روایت فیلم مستند سیاسی (مطالعه موردی: فیلم مستند «به روایت دربار» و «ایران و غرب»)». «رسانه‌های دیداری و شنیداری، زمستان ۱۳۹۷، دوره ۱۲، شماره ۲۸، صص: ۱۷۸-۱۵۱.
- آزاد، راضیه (۱۳۸۸). «بررسی ساختار حکایت‌های مرزبان‌نامه» (براساس الگوی الماسی شکل لایبوف)، فصلنامه پژوهش‌های ادب عرفانی، شماره ۴۴، صص: ۱۴۰-۱۲۳.
- پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)، شماره ۱ (پیاپی ۹).
- پراپ، ولادیمیر (۱۳۶۸). ریخت‌شناسی قصه. ترجمه م. کاشیگر. تهران: روز.
- تولان، مایکل جی (۱۳۸۳). درآمدی نقادانه، زبان‌شناسی بر روایت. ترجمه ابوالفضل حری، تهران، بنیاد سینمایی فارابی، چاپ اول.

- Labov, W. (1972) Language in the inner city, Philadelphia, Univ. of Pa. Press.

- Barthes, R. (1997) Introduction to the structural analysis of narratives, in Image, music, taste, Essays selected and translated by Stephen Heath, pp: 79-124, London: Fontana.

- Griffin, L. (1993) «Narrative, event structure analysis and causal interpretation in historical sociology», The American Journal of Sociology, Vol. 98 (5): 1094-1133.

## پیوست‌ها

### پیوست ۱: خبر رویترز

خبرگزاری رویترز با انتشار گزارشی در مورد انفجار مهیب اخیر در بیروت، مدعی هشدار پیش‌دستانه به مقام‌های لبنانی در مورد مخاطرات ذخیره نیترات آمونیوم در بندر «بیروت» و آگاهی رییس‌جمهور و نخست‌وزیر مستعفی این کشور از این موضوع شده است. براساس گزارش رویترز که تاکنون صحت و سقم آن از سوی دولت لبنان مورد تأیید یا تکذیب قرار نگرفته، «مقام‌های امنیتی لبنان ماه گذشته به میشل عون، رییس‌جمهور و حسان دیاب، نخست‌وزیر این کشور در مورد مخاطرات ۲ هزار و ۷۵۰ تن نیترات آمونیوم ذخیره شده در بندر بیروت هشدار داده و تأکید کرده‌اند که انفجار این مواد می‌تواند پایتخت را نابود کند.» خبرگزاری رویترز می‌گوید «اسناد این هشدارها، به رویت این خبرگزاری و منابع ارشد امنیتی لبنان رسیده و نشان می‌دهد تحقیقات در مورد این محموله خطرناک توسط مقام‌های قضایی از ژانویه آغاز شده بود». بنابراین گزارش «هشدار مذکور در تاریخ ۲۰ جولای (۳۰ تیر) از سوی اداره کل امنیت لبنان به صورت محرمانه به عون و دیاب ارسال شده بود.»

گزارش یادشده همچنین ادعا می‌کند که «ارتش لبنان از پذیرش مسئولیت این مواد خودداری کرده است». خبرگزاری رویترز می‌گوید «ارتش لبنان، دادستان کل لبنان، دفتر نخست‌وزیری و ریاست جمهوری لبنان به درخواست رویترز برای ارائه توضیحات در مورد این سند پاسخی ندادند». پیشتر «میشل عون»، رییس‌جمهور لبنان اعلام کرده بود از وجود مواد انفجاری در بندر بیروت آگاهی داشته و به سازمان‌های امنیتی و نظامی دستور داده «آنچه را لازم است» انجام دهند. علاوه بر این نامه، یادداشت‌ها و نامه‌های متعدد دیگری نیز از سوی مقام‌های بندری، گمرکی و امنیتی لبنان به دادگاه‌های این کشور ارسال شده که درخواست صدور دستور انتقال این مواد به مکانی دورتر از شهر را داشته‌اند. ضمن اینکه دستورهایی از سوی چند قاضی لبنان برای حفظ امنیت محل نگهداری این مواد صادر شده بود. انفجار مواد منفجره در روز سه شنبه هفته گذشته، به مرگ دست کم ۱۶۳ نفر و زخمی شدن ۶ هزار نفر انجامید و ۶ هزار ساختمان را تخریب کرد. در همین حال،

## روایتگری انفجار بیروت در وبسایت‌های خبری سی.ان.ان، رویترز و العالم ۶۱

دفتر هماهنگی کمک‌های سازمان ملل روز سه شنبه اعلام کرد «شمار کشته شدگان انفجار بیروت به ۱۶۰ نفر رسیده و مجروحان بیش از ۵ هزار نفر برآورد شده‌اند؛ وضعیت جراحات ۷۶ درصد، سطحی تا وخیم است و تنها ۴۷ درصد مراکز درمانی، امکان ارائه خدمات دارند.» براساس گزارش‌ها، پیش بینی می‌شود که برای بازسازی بیروت به ۱۵ میلیارد دلار پول نیاز باشد. هنوز دلایل اصلی انفجار به‌طور رسمی اعلام نشده، اما گزارش‌ها تأکید دارند که قرار گرفتن محل ذخیره در کنار دریا، از زیان‌های ناشی از انفجار کاسته است.

### پیوست ۲: خبر سی.ان.ان

شبکه سی.ان.ان اعلام کرد که وزارتخانه‌های مختلف لبنان از جمله وزارت دادگستری و حمل‌ونقل، از انبار شدن طولانی مدت نیترات آمونیوم در بندر بیروت مطلع بودند و پیشتر در این باره به آنها هشدار داده شده بود. این شبکه در ادامه افزود به اسنادی دست یافته است که نشان می‌دهند وزارتخانه‌های حمل‌ونقل، دادگستری و تعدادی دیگر، از ذخیره طولانی مدت محموله نیترات آمونیوم در بندر بیروت مطلع بوده‌اند. CNN در ادامه گزارش داد که این اسناد شامل نامه‌نگاری‌های الکترونیکی و بیانیه چهارشنبه تیم وکلای «بارودی و شرکا» است.

طبق گزارش این شبکه، دفتر حقوقی «بارودی و شرکا» در بیروت که وکالت کارکنان کشتی روسی «Rhosus» را بر عهده دارد، در بیانیه‌ای فاش کرده است که در ژوئیه ۲۰۱۴ به مقامات و مسئولان بندر بیروت و وزارت حمل‌ونقل لبنان چندین نامه نوشته و نسبت به خطرات موادی که بار این کشتی بوده، هشدار داده است. سی.ان.ان در ادامه آورده است، این دفتر حقوقی در همین ماه، نامه‌ای از مدیرکل سازمان حمل‌ونقل زمینی و دریایی لبنان دریافت کرده که در آن تأکید شده است؛ مراتب رسماً به اطلاع وزارت دادگستری رسیده تا اقدامات لازم را در این زمینه اتخاذ کند. در بیانیه دفتر حقوقی بارودی و شرکا آمده است: مدیرکل سازمان حمل‌ونقل زمینی و دریایی لبنان به ما گفت که پیامی را برای فرماندهی نیروهای دریایی ارسال کرده است تا اقدامات لازم را برای تعمیر کشتی یادشده و جلوگیری از غرق شدن آن اتخاذ کند.

سی.ان.ان در ادامه گزارش داد که برای اطلاع از جزئیات این مسئله به وزارت دادگستری و حمل و نقل لبنان مراجعه کرده، اما مقامات این دو وزارتخانه حاضر به پاسخگویی نشده‌اند.

### پیوست ۳: خبر العالم

خبرنگار شبکه العالم در بیروت به نقل از منابع امنیتی اعلام کرد: انفجار امروز در بیروت حاصل اشتعال مواد محترقه در انبار شماره ۱۲ بندر این شهر بوده است. تصاویر و ویدئوهای منتشر شده از محل حادثه، حکایت از آن دارد که انفجار شدید بوده است و ستونی از دود به ارتفاع زیاد در آسمان دیده می‌شود. خبرنگار العالم گفت: این انفجار خسارت‌های مادی گسترده‌ای در محل حادثه برجای گذاشته و این علاوه بر زخمی شدن بسیاری از افراد است که با آمبولانس به بیمارستان‌ها منتقل شده‌اند.

گفته می‌شود؛ صدای انفجار فراتر از بیروت در شهر صیدا و منطقه جبل لبنان شنیده شده است.

این انفجار بزرگ‌ترین انفجار در بیروت از سال ۲۰۰۵ و حادثه ترور رفیق حریری به‌شمار می‌رود. گفته می‌شود صدای انفجار تا فاصله ۸ کیلومتری بیروت، حدود شهر نبیه شنیده شده است. در این انفجار بسیاری از مناطق پایتخت لبنان زیان دیده‌اند و نمی‌توان خسارات را به منطقه‌ای محدود کرد.

تاکنون هیچ بیانیه رسمی درباره این حادثه صادر نشده است و آمار دقیقی از مجروحان در دست نیست.

در این انفجار بسیاری از مناطق پایتخت لبنان زیان دیده‌اند و نمی‌توان خسارات را به منطقه‌ای محدود کرد.

ماشین‌های آمبولانس به سرعت مجروحان را جابه‌جا می‌کنند و صدای آژیر آنها لحظه‌ای قطع نمی‌شود. دود نتیجه انفجار، همچنان در آسمان بیروت مشهود است.

علاوه بر ساختمان‌ها، خودروها در بسیاری از مناطق بیروت و منطقه ضاحیه خسارت دیده‌اند. تمام بیمارستان‌های بیروت و اطراف به حال آماده باش در آمده‌اند.

صدها نفر از مردم برای اهدای خون به بیمارستان‌ها مراجعه کرده‌اند.



وزیر بهداشت لبنان اعلام کرده که درمان مجروحان رایگان انجام می‌گیرد. همچنان از محل انفجار، صدای انفجارهای کوچک‌تر شنیده می‌شود و شعله‌های آتش و دود در آسمان است.

بیشترین خسارت به مناطق مسکونی منطقه کاریتینا وارد شده است. بلدوزرها می‌کوشند با پاکسازی خیابان‌های منتهی به بندر، عبور و مرور ماشین‌های امدادی را تسهیل کنند.

مروان عبود استاندار بیروت، شهر را «فاجعه‌زده» توصیف کرده و حجم خسارت‌ها را بسیار فراوان و گسترده خوانده است.

